

[ثمره سوم: تحقق نذر 1](#_Toc35149773)

[مناقشه مرحوم آخوند در اصولی بودن ثمره مذکور 2](#_Toc35149774)

[ثمره چهارم: قرار گرفتن لفظ عبادات در موضوع احکام 2](#_Toc35149775)

[مناقشه مرحوم روحانی در اصولی بودن ثمره اخیر 2](#_Toc35149776)

[پاسخ به مناقشه مرحوم روحانی 2](#_Toc35149777)

[تطبیقات ثمره قرار گرفتن لفظ عبادت در موضوع احکام شرعی 3](#_Toc35149778)

**موضوع**: ثمره بحث صحیح و اعم /صحیح و اعم /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در ثمرات مساله صحیح و اعم و آثار مترتب بر قول به صحیح و اعم بود که بحث در دو ثمره بیان شد:

ثمره اول: اجمال خطابات طبق قول به وضع برای صحیح و اطلاق خطابات طبق قول به وضع برای اعم.

ثمره دوم: اجرای اصل برائت طبق قول به وضع الفاظ عبادات برای اعم و اجرای اصل اشتغال طبق قول به وضع الفاظ برای صحیح.

مرحوم آخوند ثمره اول را پذیرفته و ثمره دوم را انکار نمودند.

## ثمره سوم: تحقق نذر

گفته شده که ثمره بحث صحیح و اعم، در مساله نذر نیز ظاهر می شود؛ مثلا اگر شخص نذر کند، هر گاه فرزندش نماز بخواند، صدقه بدهد، حال اگر بداند فرزند نماز فاسد خوانده است آیا صدقه واجب است یا خیر؟ البته اگر شک کند اصل بر صحت است.

طبق قول به وضع الفاظ برای اعم، ملزم به صدقه است و صدقه دادن امتثال نذر محسوب می شود؛ ولی طبق قول به صحیح، ملزم به صدقه نیست و امتثال نذر نیز محسوب نمی شود.

### مناقشه مرحوم آخوند در اصولی بودن ثمره مذکور

مرحوم آخوند فرموده اند: هر چند که ثمره صحیح و اعم در مساله نذر ظاهر می شود؛ اما ثمره مذکور، ثمره مساله اصولی نیست؛ زیرا ثمره مساله اصولی باید به نحوی باشد که در طریق استنباط احکام شرعیه قرار بگیرد؛ در حالیکه وجوب و حصول وفای به نذر مساله اصولی نیست و لذا ثمره بحث اصولی صحیح و اعم نیست.[[1]](#footnote-1)

## ثمره چهارم: قرار گرفتن لفظ عبادات در موضوع احکام

ثمراتی که در بیانات فقها مطرح شده عمدتا در مواردی بوده که الفاظ عبادات، متعلق امر قرار بگیرد و به تبع آن اطلاق و اجمال خطاب و اصل عملی بررسی شده است؛ اما ثمره مهم دیگری نیز در مقام وجود دارد به این توضیح که:

اگر الفاظ عبادات، موضوع حکمی قرار بگیرد \_نه متعلق حکم\_ بحث صحیح و اعم مثمر خواهد بود و تفاوتی ندارد موضوع حکم مکلف باشد، یا موضوع حکم دیگری قرار بگیرد؛ مانند محاذات نماز فاسد زن با مرد.

### مناقشه مرحوم روحانی در اصولی بودن ثمره اخیر

مرحوم روحانی منکر اصولی بودن این ثمره شده اند؛ زیرا خصوص اینکه در مثال خاصی مانند محاذات نماز زن با مرد، بحثی ثمره داشته باشد، موجب اصولی بودن ثمره نمی شود.[[2]](#footnote-2)

#### پاسخ به مناقشه مرحوم روحانی

با توجه به آنچه بیان شد، پاسخ از ایشان روشن می شود؛ زیرا ثمره مذکور منحصر در بحث محاذات مرد با زن نیست؛ بلکه این مثال به اعتبار اندراج در کبرای کلی مطرح شد و کبرای کلی این بود که اگر لفظ عبادت، موضوع حکم مکلف یا دیگری واقع شود، آیا خصوص صحیح از عبادت موضوع است یا اعم از صحیح و فاسد موضوع حکم خواهد بود؛ بنابر این ثمره مذکور اهم از ثمرات گذشته است؛ زیرا بر ثمرات سابق این شبهه وارد بود که قول به صحیح و أعم، در ترتب آثار آنها تفاوتی ندارد؛ چرا که حتی طبق قول به أعم نیز مامور به و مطلوب خصوص صحیح است؛ پس قول به اعم نیز همانند قول به صحیح خواهد بود با این تفاوت که طبق قول به صحیح با توجه به وضع و طبق قول به اعم با توجه به قرینه امر شرعی به آن؛ مراد از الفاظ عبادات، صحیح خواهد بود.

این توهم \_هر چند که تمام نیست؛ زیرا طبق قول به اعم، مامور به عنوان عمل صحیح نیست تا گفته شود که فرقی بین قول به صحیح و اعم نیست، بلکه مامور به طبق قول به اعم، امری است که به جهت اطلاق یا اصل عملی، به فاقد جزء مشکوک آن نیز می توان اکتفا نمود؛ به این بیان که طبق قول به اعم، مامور به اعم از واجد و فاقد جزء مشکوک است و امر به صلاه شده است و بر عمل بدون سوره نیز صلاة صادق است و از آنجا که تقیید به سوره نشده است، به اطلاق و یا به اصل برائت، لزوم اتیان سوره نفی می شود. بله اگر معلوم شود که نمازی فاسد است، آن نماز مامور به نیست اما اوامر شرعی، به عنوان صحیح تعلق نگرفته و لذا هر چه عرفا صلاه باشد و قیدی بر آن ذکر نشده باشد؛ مامور به و صحیح است \_ اما این توهم در ثمره اخیر اصلا تصویر ندارد؛ زیرا لفظ عبادت در ثمره اخیر، متعلق امر قرار نگرفته است؛ تا گفته شود متعلق امر خصوص صحیح است؛ بلکه موضوع تکلیف خود فرد یا دیگری ( ولو به نحو قید متعلق) است بنابر این اشکال مرحوم روحانی تمام نیست.

### تطبیقات ثمره قرار گرفتن لفظ عبادت در موضوع احکام شرعی

1 - با توجه به روایت «لا یصلی الرجل و بحذائه امراه تصلی» اگر زنی در محاذات مرد باشد، نماز مرد صحیح نیست و یکی از موانع صحت نماز مرد، محاذات نماز با زن است البته با فاصله ای که در فقه مقرر شده است.

حال اگر زنی نماز فاسدی در محاذات مرد بخواند ثمره بحث صحیح و اعم روشن می شود؛ که طبق قول به وضع الفاظ عبادات برای صحیح، نماز مرد مشکلی ندارد؛ زیرا مانعیت در فرض محاذات نماز صحیح زن است اما طبق قول به وضع الفاظ عبادات برای اعم، نماز مرد نیز باطل خواهد شد؛ زیرا نماز فاسد نیز در فرض محاذات موجب بطلان نماز مرد شود.

این مساله در نماز طواف بر طبق نظر مرحوم خویی در شمول روایت نسبت به نماز در مسجد الحرام \_البته این نظریه صحیح نیست و به نظر ما در مسجد الحرام به جهت نص خاصی که وارد شده است «انما سمی مکه بکه لانه تبک فیه الرجال و النساء» ؛ محاذات زن با مرد مانعی ندارد \_ بسیار اتفاق می افتد؛ زیرا عموما علم به بطلان نماز زنانی که در محاذات مرد نماز می خوانند وجود دارد؛ زیرا عموما اهل سنت بوده و بنابر نظر مشهور بین فقها که از شرایط صحت عبادت، ولایت اهل بیت است نماز آنها باطل است و یا از این جهت که عمل اهل سنت فاقد دیگر شرایطی مانند وضو صحیح و... است؛ نماز آنها باطل است.

2- در روایتی آمده اگر مسافر با قصد اقامت عشره، چهار رکعت نماز بخواند، و بعد از اقامه نماز از قصد اقامه عدول کند، نمازش از این به بعد، باید به صورت تمام اقامه شود؛ حتی اگر از قصد ده روز عدول کند؛ یعنی در حکم مقیم خواهد بود.

حال این مساله مطرح است که موضوعیت نماز اول برای تمام بودن دیگر نمازها، فقط در نماز صحیح است یا شامل نماز فاسد نیز می شود و اگر نماز چهار رکعتی اول، فاسد نیز باشد، دیگر نمازها، تمام خواهند بود یا خیر.

البته در این مثال ممکن است گفته شود از آنجا که در نص بحث آمده است «صلی الفریضه» پس این مورد شامل نماز فاسد نخواهد بود.

3- اگر کسی قبلا حج رفته باشد، در منا بین قصر و حلق مخیر است ولی اگر حج اول او باشد، متعینا باید حلق کند؛ حال اگر کسی قبلا حج فاسدی رفته باشد، طبق قول صحیح، در حج دوم، متعینا باید حلق کند چون عمل سابق او حج محسوب نمی شود؛ اما طبق قول به اعم، حج جدید او حج دوم محسوب شده ولذا بین حلق و قصر مخیر است.

بله ممکن است گفته شود که در مواردی که فعلی موضوع تکلیف قرار می گید، ادله منصرف به فرد صحیح است ولی این ادعا در همه موارد تمام نیست و در مواردی که فعل فرد دیگری موضوع تکلیف قرار بگیرد، مانند صلاه زن در محاذات مرد، ادله مانعیت نماز زن در محاذات مرد، انصراف به صلاه صحیح زن ندارد؛ بلکه حتی در مثال حج و ... نیز موجبی برای انصراف به صلاة صحیح نیست و ادعای انصراف بدوی است و اصل بر اطلاق است.

4- در نماز به امامت فاقد شرایط امامت جماعت مثل فاسق و مخالف\_ که مسقط قرائت از ماموم نیست\_ ماموم باید خودش قرائت را ؛ حتی به صورت حدیث نفس انجام دهد و همین مقدار مجزی است. حال اگر امام جماعت فاسق، مثلا وضو نداشته و نمازش باطل باشد، آیا می توان گفت که همین حکم را دارد و در این فرض قرائت به صورت حدیث نفس ، کفایت می کند؟

اگر صلاه وضع برای خصوص صحیح شده باشد، در این صورت قرائت ماموم باید تمام شرایط قرائت صحیح را داشته باشد و حدیث نفس کفایت نمی کند؛ اما طبق قول به اعم، ماموم می تواند حتی به صورت حدیث نفس قرائت خلف امام فاسق داشته باشد.

5- یکی از موانع طواف، قران است؛ یعنی اگر طواف واجبی در عمره و حج انجام شود، حق ندارد قبل از انجام نماز، طواف دیگری انجام دهد؛ هر چند که قران در طواف در طواف مستحب مانعی ندارد.

حال اگر طواف مقرونه، فاسد باشد، طبق قول به صحیح، قران محقق نشده است و طبق قول به اعم، قران محقق شده و طواف باطل است. البته ممکن است گفته شود در این مثال، مساله تطبیق نمی شود؛ زیرا کلمه طواف، هر چند که از عبادات است؛ اما مانند معاملات مفاهیم عرفی آن موضوع حکم شرعی قرار گرفته است؛ مانند رکوع و سجده که مفاهیم آنها عرفی و لغوی است.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص28.](http://lib.eshia.ir/27004/1/28/النذر) [↑](#footnote-ref-1)
2. [منتقی الاصول، سید محمد حسینی روحانی، ج1، ص258.](http://lib.eshia.ir/13050/1/258/فیما) [↑](#footnote-ref-2)